

«هوالحکیم»

عنوان:

تعداد خلفای پیامبر «صلی الله علیه وآله وسلم» در صحیحین.



دکتر باقر پورکاشانی

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَعَلَىٰ اٰلِهِ وَصَلِّ



『@SERATEHAGHI』

روایتی رو بخونم از کتاب صحیح بخاری. این چاپی که خدمت بزرگواران ارائه می‌دم، چاپ مصر هست. یادمه که حدود شاید ۱۵ سال پیش با یکی از مآلهای اهل تسنن ما به صورت دوستانه مناظره‌ای داشتیم، مباحثه‌ای داشتیم، من استناد می‌کردم از صحیح بخاری از چاپ بیروت، ایشان برگشت گفت نه! این چاپ بیروت رو من قبول ندارم! مهم اون چیزی که مورد قبول ماست چاپ مصر هست! خب باعث شد که بریم چاپ مصر هم بخریم. و باز کار مشکل‌تر، این چاپ مصری که دارم خیلی فونت به هم ریخته‌ای داره، یعنی خیلی باب‌بندیش و این‌ها به هم ریخته‌ست! دیگه گشتم و این روایت‌ها رو پیدا کردم و تو اون مناظره‌ای که بود تو این علامت گذاشتیم. حالا يك روایت از این‌جا بخوام بخونم؛ روایت در جلد نهم بخاری هست صفحه‌ی ۱۴۷ از این چاپ مصر هست که می‌خونم؛ كِتَابُ الْأَحْكَامِ بَابُ إِسْتِخْلَافِ صَفْحَةٍ ۱۴۵، بَابُ إِخْرَاجِ الْخُصُومِ وَ أَهْلِ الرَّيْبِ مِنَ الْبُيُوتِ بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ.

بله می‌شه انکار صفحه‌ی ۱۴۷ در این‌جا نوشته ۷۹. در این چاپ‌های بیروتی، اومدن کل احادیث رو از اول از شماره‌ی یک پشت سر هم زدن تا مثلاً حدیث چند هزار و خورده‌ای، این‌ها رو آوردن؛ این‌جا نه! باب، باب فرق می‌کنه. الان که جلد نهم هست این‌جا می‌شه حدیث ۷۹. حدیث اینه: «مُحَمَّدُ بْنُ الْمُثَنَّى حَدَّثَنَا غُنْدَرٌ، حَدَّثَنَا شُعْبَةُ عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ، سَمِعْتُ جَابِرَ بْنَ سَمُرَةَ قَالَ سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، يَقُولُ يَكُونُ إِثْنَا عَشَرَ أَمِيرًا فَقَالَ: كَلِمَةٌ لَمْ أَسْمَعْهَا فَقَالَ أَبِي: إِنَّهُ قَالَ كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ». روایت اینه که فردی به نام جابر می‌گه محضر پیامبر بودم پدرش هم بوده؛ پیامبر فرمودند که بعد از من دوازده تا امیر میاد. «فَقَالَ كَلِمَةً»، می‌گه بعد سخنی گفتن که من نشنیدم. خب با پدرش هم بود، به پدر گفت که حالا چی گفتن؟ گفت: «كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ»؛ کل این دوازده نفر از قریشند! یعنی صراحت به عدد دوازده در این خصوص شده! خب حالا بینیم خلفایی که آقايون مطرح می‌کنن چند تا هستن؟ می‌گن که ابوبکر، عمر، عثمان و علی؛ امام حسن هم حساب بکنیم، معاویه هم حساب بکنیم، یزید هم حساب بکنیم؛

حالا اگر شما خلفای بنی امیه و بن العباس رو بخوای حساب بکنی که جمعیت خیلی زیاد می شه! فوق دوازده تا! این تعداد رو حساب بکنی زیر دوازده تا هستن! این چه جوری حل می شه؟ این يك.

صحیح مسلم، کتاب الإماره؛ این جا پنج حدیث در این کتاب الإماره هست که صراحتاً این مسأله رو مطرح کرده. حالا من این حدیث ها رو می گم که چاپ های بیرونی حدیث از اول شروع کرده يك، دو، الان این جای حدیث که بخوام بخونم حدیث ۴۷۲۶ هست.

کتاب الإماره، صحیح مسلم، چاپ بیروت، حدیث ۴۷۲۶:
 «حَدَّثَنَا قُتَيْبَةُ بْنُ سَعِيدٍ، حَدَّثَنَا جَرِيرٌ عَنْ حُصَيْنٍ (بِأَصَادٍ)، عَنْ جَابِرِ بْنِ سَمُرَةَ، قَالَ: سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، يَقُولُ: «يَكُ سِلْسَلَةٌ مِنْ حَدِيثِ دِيكِهِ أَيُّ رُوِّ بِأَصَادٍ مَطْرَحٌ مِي كُنُّنٌ؛ يَعْنِي مِنْ جِهَاتٍ مُخْتَلَفٍ فِي حَدِيثِ رُوِّ مِي خَوَانٍ مَطْرَحٍ بِكُنُّنٍ! وَحَدَّثَنَا رِفَاعَةُ بْنُ الْهَيْثَمِ الْوَاسِطِيُّ - وَاللَّفْظُ لَهُ -: حَدَّثَنَا خَالِدٌ - يَعْنِي ابْنَ عَبْدِ اللَّهِ الطَّحَّانِ - عَنْ حُصَيْنٍ، عَنْ جَابِرِ بْنِ سَمُرَةَ. قَالَ: دَخَلْتُ مَعَ أَبِي عَلِيٍّ النَّبِيِّ.»

این جابر بن سمره می‌گه داخل شدم با پدرم «مَعَ أَبِي النَّبِيِّ؛ فَسَمِعْتُهُ يَقُولُ: إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ لَا يَنْقُضِي حَتَّى يَمْضِيَ فِيهِمْ إِثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً». فرمودند که این امر «لَا يَنْقُضِي» یعنی سپری نمی‌شه، «حَتَّى يَمْضِيَ» تا این که بگذرد، «فِيهِمْ» این «هِمْ» به چی بر می‌گرده؟ به امت! در ارتباط با این امت، دوازده تا خلیفه! یعنی دوازده تا خلیفه در ارتباط با این امت میاد. «قَالَ: ثُمَّ تَكَلَّمَ بِكَلَامٍ خَفِيَ عَلَىَّ»؛ می‌گه سپس کلام فرمود رسول خدا، یک چیزی گفت که بر من مخفی موند، من این رو متوجه نشدم نشنیدم. «قَالَ: فَقُلْتُ لِأَبِي: مَا قَالَ؟» به پدرم گفتم چی گفت پیامبر؟ «قَالَ: كُلُّهُمْ مِنْ قَرِيْشٍ»، گفت تمام این‌ها از قریش هستند. این دیگه ببینید در صحیح مسلم، اصح الکتب بعد قرآن، مورد قبول تمام دانشمندان عامه هست!

حدیث بعدی، ۴۷۲۷: «ابنُ أَبِي عُمَرَ: حَدَّثَنَا سُفْيَانُ، عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ عُمَيْرٍ، عَنْ جَابِرِ بْنِ سَمُرَةَ، قَالَ سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، يَقُولُ: لَا يَزَالُ أَمْرُ النَّاسِ مَاضِيًا مَا وَكَيْهِمْ إِثْنَا عَشَرَ رَجُلًا». می‌گه که شنیدم نبی اکرم فرمودند که این امر بر مردم ثابت هست و این امر بر مردم می‌گذره تا این که چی امر ثابتته؟ حکومت کنند «وَلِيَهُمْ إِثْنَا عَشَرَ رَجُلًا».

دوازده نفر حکومت کنند در ارتباط با بعد من.

«ثُمَّ تَكَلَّمَ نَبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِكَلِمَةٍ خَفِيَّتْ عَلَيَّ»

يك چیزی گفتن بر من مخفی موند، «فَسَأَلْتُ أَبِي» سؤال کردم از پدرم، «مَاذَا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ» چی گفت پیامبر اکرم؟ «فَقَالَ كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ».

همین روایت رو در بخاری هم آورده شده، در همین چاپ بیروتی که به ترتیب روایت‌ها رو میاره؛ حدیث ۷۲۲۲؛ عیناً همین که مسلم آورده در صحیح بخاری هم همین حدیث آورده شده. حدیث بعدی، حدیث ۴۷۲۹:

«حَدَّثَنَا هَدَّابُ بْنُ خَالِدٍ الْأَزْدِيُّ، حَدَّثَنَا حَمَّادُ بْنُ سَلَمَةَ عَنْ سِمَاكِ بْنِ حَرْبٍ، قَالَ: سَمِعْتُ جَابِرَ بْنَ سَمْرَةَ يَقُولُ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، يَقُولُ لَا يَزَالُ الْإِسْلَامُ عَزِيزًا إِلَىٰ إِثْنَيْ عَشَرَ خَلِيفَةً».

باز روایت نقل کردند که نبی اکرم فرمودند که: «لَا يَزَالُ» زائل نمی‌شه اسلام، «عَزِيزًا» یعنی اسلام عزیز، سربلند، «إِلَىٰ» تا این که دوازده تا خلیفه میاد.

«ثُمَّ قَالَ كَلِمَةً لَمْ أَفْهَمَهَا» سپس پیامبر چیزی گفت که من
 نفهمیدم، «فَقُلْتُ: لِأَبِي مَا قَالَ»
 چی گفت پیامبر؟ «فَقَالَ كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ».
 گفت کل این‌ها از قریش است.
 حدیث بعدی، حدیث ۴۷۳۰:

«حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ بْنُ أَبِي شَيْبَةَ، حَدَّثَنَا أَبُو مُعَاوِيَةَ، عَنْ دَاوُدَ، عَنْ
 الشَّعْبِيِّ، عَنْ جَابِرِ بْنِ سَمُرَةَ، قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ
 سَلَّمَ، لَا يَزَالُ هَذَا الْأَمْرُ عَزِيزًا إِلَيَّ إِثْنَيْ عَشَرَ خَلِيفَةً».
 این حدیث هم جور دیگه هست اما با یک سند دیگه، که
 خب دوازده تا خلیفه خواهند آمد.

«قَالَ: ثُمَّ تَكَلَّمَ بِشَيْءٍ لَمْ أَفْهَمَهُ، فَقُلْتُ لِأَبِي: مَا قَالَ؟ فَقَالَ كُلُّهُمْ
 مِنْ قُرَيْشٍ».

سؤال کرد چی گفت پیامبر؟ گفت این‌ها گفتن که دوازده تا،
 پیامبر گفت دوازده تا از قریش هستند.

حدیث بعدی ۴۷۳۱:

«حَدَّثَنَا نَصْرُ بْنُ عَلِيٍّ الْجَهْضَمِيُّ، حَدَّثَنَا يَزِيدُ بْنُ زُرَيْعٍ، حَدَّثَنَا ابْنُ عَوْنٍ وَحَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عُثْمَانَ النَّوْفَلِيُّ - وَاللَّفْظُ لَهُ - حَدَّثَنَا أَزْهَرُ، حَدَّثَنَا ابْنُ عَوْنٍ، عَنِ الشَّعْبِيِّ عَنِ جَابِرِ بْنِ سَمُرَةَ، قَالَ: انْطَلَقْتُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ. می‌گه مشرف شدم به نزد پیامبر «وَمَعِيَ أَبِي» و با من پدرم بود؛ «فَسَمِعْتُهُ يَقُولُ» پس شنیدم که نبی اکرم فرمود،

«لَا يَزَالُ هَذَا الدِّينَ عَزِيزًا مَنِيعًا إِلَىٰ إِثْنَيْ عَشَرَ خَلِيفَةً»؛ این زائل نمی‌شه این دین، این دین عزیز، سربلند، مُنیع، یعنی نفوذناپذیر تا این‌که دوازده تا خلیفه می‌اد. «فَقَالَ كَلِمَةً صَمَّنِيهَا النَّاسُ» می‌گه پس سخنی گفت که در هر حال مردم نگذاشتند اون رو بشنوم، «فَقُلْتُ لِأَبِي» به پدرم گفتم، «مَا قَالَ؟» چی گفت؟! «قَالَ كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ»؛ گفت کل این دوازده تا خلیفه از قریش هستند.

و حدیث آخری کہ از ہمین صحیح مسلم بخونم، حدیث ۴۷۳۲: «حَدَّثَنَا قُتَيْبَةُ وَ أَبُو بَكْرٍ بْنُ أَبِي شَيْبَةَ، قَالََا حَدَّثَنَا حَاتِمٌ وَ هُوَ ابْنُ إِسْمَاعِيلَ، عَنِ الْمُهَاجِرِ بْنِ مِسْمَارٍ، عَنِ عَامِرِ بْنِ سَعْدِ بْنِ أَبِي وَقَّاصٍ، قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى جَابِرِ بْنِ سَمُرَةَ». نوشتم به جابر بن سمره «مَعَ غَلَامِي» به همراه غلامم، «نَافِع» فرستادم؛ يك چیزی نوشتم فرستادم با غلامم. «عَنْ أَخْبَرَنِي بِشَيْءٍ سَمِعْتُهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ» خبر بده به من چیزی رو که شنیدی از رسول خدا؛ این رو به تعبیری مکتوب کن. «قَالَ فَكَتَبَ إِلَيَّ» در جواب من نوشت، «سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ وَسَلَّمَ، يَوْمَ جُمُعَةٍ عَشِيَّةَ رُجَمَ الْأَسْلَمِيُّ» می که روز جمعه بود، در عصر هم بود، که يك فردی به نام اسلمی سنگسار شد، يك جرمی انجام داده بود اون رو سنگسار کردند. «يَقُولُ» که پیامبر فرمود: «لَا يَزَالُ الدِّينُ قَائِمًا حَتَّى تَقُومَ السَّاعَةُ» این دین زائل نمی شه، از بین نمی ره برپاست؛ «حَتَّى تَقُومَ السَّاعَةُ» تا قیام قیامت این دین از بین نمی ره! تا قیامت. «أَوْ يَكُونَ عَلَيْكُمْ إِثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ»؛ تا این که بر شما دوازده خلیفه میاد که کل اینها از قریش هستند.